



Studies on Israel - US

Vol 25. No 3. Autumn 2024

Received date: 2024.07.03

Acceptance date: 2024.10.24



مرکز پژوهش‌های علمی و  
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

Home page: [www.cmess.sinaweb.net](http://www.cmess.sinaweb.net)

## Challenges Facing Iran's Foreign Policy Towards the International and Regional System in the Next Decade (Heterogeneity with International and Regional System Issues)

Mohammad Arianmanesh<sup>1</sup>, Majid Bozorgmehri<sup>2</sup>



### Abstract

The Islamic Republic of Iran system has maintained its foreign policy approaches for more than four decades. The main question of this article is to examine the challenges in Iran's foreign policy towards the international and regional system in the next decade. Reading the foreign policy of the Islamic Republic from the point of view of tensions and contradictions in policy-making with a look at the five tensions of revolutionary governments from Fred Halliday's point of view, emphasizes the need to change from this repeated approach. Halliday enumerates several stages for the foreign policy of revolutionary governments and considers the final successful transition from them, through a fundamental revision of the policies. In this research, we have investigated the upcoming crises in Iran's foreign policy in the future by using the library method and referring to the opinions of experts. The initial drawing of the structure of the international system and the regional system of West Asia by expressing the security and non-security priorities of friendly, rival or hostile actors as an upcoming reality, shapes the preliminary discussion. Then, by presenting the principles and policies of the Islamic Republic, we will discuss the future challenges. In the end, we will address the point that in order to be successful in foreign policy based on national interests, one should give in to important changes in a wise way.

**Keywords:** Islamic Republic's Foreign Policy, Proxy Forces, Axis of Resistance.

1 - PhD student in Political Science, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran.

2 - Professor, Department of Political Science, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran.



مرکز پژوهش‌های علمی و  
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

فصلنامه مطالعات منطقه‌ای؛ اسرائیل‌شناسی - آمریکاشناسی

دوره ۲۵، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۰۲

Home page: [www.cmess.sinaweb.net](http://www.cmess.sinaweb.net)

نوع مقاله: علمی

## چالش‌های پیش روی سیاست خارجی ایران در دهه آینده (ناهمگنی با مقتضیات نظام جهانی و منطقه‌ای)

محمد آرین منش<sup>۱</sup>، مجید بزرگمهری<sup>۲</sup>



چکیده

نظام جمهوری اسلامی ایران به رغم برخی فراز و فرودها، بیش از چهار دهه است که رویکردهای سیاست خارجی خود را حفظ کرده است. مطالعات گسترده‌ای پیرامون دشواره‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی تا کنون انجام شده، اما پرسش اصلی این نوشتار از همگنی و یا ناهمگنی سیاست خارجی ایران با مقتضیات نظام جهانی و منطقه‌ای در قالب ارزیابی چالش‌های پیش رو در دهه آینده است. خوانش سیاست خارجی جمهوری اسلامی از منظر تنش‌ها و تناقض‌های موجود در سیاست‌گذاری با نگاهی به تنش‌های پنج‌گانه دولت‌های انقلابی از منظر فرد هالیدی، بر لزوم گذار از این رویکرد مکرر تاکید می‌نماید. هالیدی چندین مرحله برای سیاست خارجی دولت‌های انقلابی بر می‌شمارد و گذار موفق نهایی از آنها را منوط به بازنگری اصولی در نظام تصمیم‌گیری این کشورها می‌داند. در این پژوهش با روش کتابخانه‌ای جهت گردآوری داده‌ها و تحلیل محتوایی آنها با روش توصیفی تحلیلی، سراغ بحران‌های پیش رو در سیاست خارجی ایران در آینده می‌رویم. به‌عنوان فرضیه می‌توان اعلام داشت در صورت اصرار ایران بر تداوم سیاست‌های فعلی، وضعیت ناهمگنی سیاست‌ها با مقتضیات نظام بین‌المللی و منطقه‌ای به‌عنوان چالش محوری سیاست خارجی ایران در دهه آینده خواهد بود. واژگان کلیدی: سیاست خارجی جمهوری اسلامی، نیروهای نیابتی، محور مقاومت.

۱ - دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران. [m.aryanmanesh@gmail.com](mailto:m.aryanmanesh@gmail.com)

۲ - استاد گروه علوم سیاسی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران. [bozorgmehri@SOC.ikiu.ac.ir](mailto:bozorgmehri@SOC.ikiu.ac.ir)

## ۱. مقدمه

یکی از تأثیرگذارترین جلوه‌های زندگی اجتماعی ملت-دولت‌ها سیاست خارجی است. در دنیای جهانی شده امروز تعاملات و برهمکنش‌های میان دولت‌ها به شدت افزایش یافته، پیچیده شده و گسترش یافته است. سیاست خارجی در بردارنده همه کنشگری‌های فکری، سیاسی و عملیاتی کشورها در عرصه بین‌الملل است. ایران در شرایطی در آستانه تحولات جدیدی در نظام بین‌الملل و نظام منطقه‌ای غرب آسیا قرار گرفته که تجربه بیش از چهار دهه سیاست‌ورزی در حوزه‌های مختلف را در قالب نظامی دیانت محور در اندوخته تاریخی خود دارد.

نظام جمهوری اسلامی ایران به رغم فراز و فرودها در چهار دهه گذشته، رویکردهای سیاست خارجی خود را حفظ کرده است. مطالعات گسترده‌ای پیرامون دشواره‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی تاکنون انجام شده، اما پرسش اصلی این نوشتار بررسی چالش‌های موجود در سیاست خارجی ایران در قبال نظام بین‌المللی و منطقه‌ای طی دهه آینده است. خوانش سیاست خارجی جمهوری اسلامی از منظر تنش‌ها و تناقض‌های موجود در سیاست‌گذاری با نگاهی به تنش‌های پنج‌گانه دولت‌های انقلابی از منظر فرد هالیدی، بر لزوم گذار از این رویکرد تاکید می‌نماید. در چارچوب بحث نظری، هالیدی چندین مرحله برای سیاست خارجی دولت‌های انقلابی بر می‌شمارد و گذار موفق نهایی از آنها را نهایتاً منوط به بازنگری اصولی در نظام تصمیم‌گیری این کشورها می‌داند.

در این پژوهش با روش کتابخانه‌ای جهت گردآوری داده‌ها و تحلیل محتوایی آنها با روش توصیفی تحلیلی، سراغ بحران‌های پیش رو در سیاست خارجی ایران در آینده می‌رویم. برای شناخت مقتضیات نظام جهانی و نظام منطقه‌ای، ابتدا به ترسیم کلی ساختار نظام بین‌الملل و نظام منطقه‌ای غرب آسیا در دهه آینده با بیان اولویت‌های امنیتی و غیر امنیتی بازیگران دوست، رقیب و یا متخاصم به‌عنوان یک واقعیت پیش رو و غیر قابل اجتناب می‌پردازیم؛ سپس با ارائه اصول و سیاست‌های کلان و خرد راهبردی و یا تاکتیکی جمهوری اسلامی، چالش‌های آتی را به بحث می‌گذاریم. در انتها به این نکته می‌پردازیم که برای توفیق در سیاست خارجی بر اساس منافع ملی، باید به تغییرات مهمی تن داد.

پادگفتمان‌های دولت‌های مخالف سیاست‌های ایران در میان قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای، چالش‌های اقتصادی ایران که هم ناشی از تحریم‌ها و هم برگرفته از سوء مدیریت است، ظهور پیمان ابراهیم و حضور روزافزون اسرائیل در معادلات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی غرب آسیا به‌ویژه پس از عملیات

طوفان الاقصی از یکسو و اتخاذ سیاستی ایدئولوژیک با ماهیت تجدید نظر طلبی جهانی، اصرار ایران بر تغییر موازنه منطقه‌ای در جهت الگوی مطلوب خود و امنیتی سازی جو منطقه، تداوم کمک‌های معنوی و مادی به گروه‌های شبه نظامی و امنیتی همسو از سوی دیگر، همگی بستر چالش‌های را در آینده فراهم می‌سازد که برخی از آنها در گذشته وجود داشته ولی در آینده پررنگ‌تر و گزنده‌تر خواهد بود.

به‌عنوان فرضیه می‌توان اعلام داشت در صورت اصرار ایران بر تداوم سیاست‌های فعلی، وضعیت ناهمگنی این سیاست‌ها با مقتضیات نظام بین‌المللی و منطقه‌ای، چالش محوری سیاست خارجی ایران در دهه آینده خواهد بود.

## ۲. پیشینه پژوهش

آثار پیشین که به نحوی با موضوع ما در ارتباط هستند به سه دسته تقسیم می‌شوند. دسته نخست پژوهش‌های ادگار گل<sup>۱</sup> (۲۰۱۹)، توماس فینگار سی<sup>۲</sup> (۲۰۰۸) و فرشته میرحسینی (۱۳۹۸) و الیاس کوسکویلز<sup>۳</sup> (۲۰۱۸) هستند که رویکردی آینده‌نگر به وضعیت بازیگران و تحولات و گرایش‌ها دارند. ادگار گل و همکارانش با یک پژوهش میدانی و نظر سنجی، سراغ بازیگران جهانی و منطقه‌ای در آینده که تاثیرگذار بر منطقه «منا»<sup>۴</sup> (خاورمیانه و شمال آفریقا) هستند، می‌روند و داده‌های ارزشمندی را از بازیگران آتی در منا ارائه می‌دهند (Göll & Colleagues, 2019). در همین راستا، فینگار سی سخن از گرایش‌های جهانی در آینده و دنیای مملو از تغییر به میان آورده است (Fingar.C, 2008). میرحسینی و همکارش نیز به سناریوهای آینده جایگاه ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران در نظام قدرت منطقه‌ای غرب آسیا در افق ۱۴۱۰ می‌پردازد (میرحسینی و عیوضی، ۱۳۹۹). الیاس کوسکویلز (۲۰۱۸) نیز رقابت در قدرت در منطقه منا را مبنای مطالعه خود قرار داده است (Kouskouvelis, 2018).

دسته دوم که از نظر تعداد، فراوان هستند آثاری است که به تبیین سیاست خارجی گذشته و حال ایران و تا حدودی تحلیل آن پرداخته‌اند. کنت کاتزمن<sup>۵</sup> (۲۰۲۱) که از جمله کارشناسان ارشد مسائل ایران در گروه مطالعاتی کنگره آمریکا است، در آخرین گزارش به روز شده به تفصیل از رویکرد سیاست خارجی

1 - Edgar Göll

2 - Thomas Fingar. C

3 - Ilias Kouskouvelis

4 - MENA, Middle East and North Africa

5 - Kenneth Katzman

ایران، علل و روند آن سخن می‌گوید. آمار و تحلیل‌های گزارش‌های کنگره بیشتر از زاویه دید صاحب نظران آمریکایی و بر پایه اسناد دستگاه‌های اطلاعاتی آمریکا تدوین می‌گردد (Katzman, 2021).  
 قالیباف و همکارانش (۱۳۹۳) به معرفی سه رویکرد تقابلی، تعاملی و مسابقه محور در سیاست خارجی ایران می‌پردازند. قالیباف ضمن برشمردن مزایای سیاست تعاملی مدعی می‌شود سیاست ایران در حوزه خلیج فارس بر حسب شرایط و سیاست سایر بازیگران از هر سه رویکرد بهره برده است ولی قالیباف خود نهایتاً بهترین سیاست را رویکرد تعاملی می‌داند (قالیباف و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۱-۷۲). محمودی کیا و دهشیری (۱۳۹۹) مدعی می‌شوند که ایران اصول ایدئولوژیک را محور اصلی سیاست خارجی خود دانسته و موارد عمل‌گرایی ماهیت تاکتیکی داشته‌اند (محمودی کیا و دهشیری، ۱۳۹۹).

وحید گل‌محمدی (۲۰۱۸) مدعی می‌شود درک و برداشت مقامات ایران از وضعیت تهدیدات و دشمنی‌های ایالات متحده آمریکا به طور مستمر بر سیاست خارجی ایران تاثیر گذاشته است. از سوی دیگر میل به ماندن در بدنه حاکمیت و نهادهای قدرت به موازات اصرار بر ارزش‌هایی مانند شیعه‌گرایی (در معنای قوام یافته توسط روحانیت حاکم در ایران) و مبارزه با امپریالیسم غرب، به سیاست خارجی ایران شکلی نامتقارن در منطقه و جهان بخشیده است (Golmohammadi, 2018).

دسته سوم نوشته‌هایی هستند که به چالش‌های سیاست خارجی ایران در آینده پرداخته‌اند مانند آثار آنار آلیف<sup>۱</sup> (۲۰۲۱)، کیهان برزگر (۱۳۸۸)، اردشیر سنائی (۱۳۸۹) و امیرمحمد حاج یوسفی (۱۳۸۲). آثار آلیف و همکارش به عوامل تاثیر گذار در سیاست خارجی ایران در آینده پرداخته‌اند (Aliyev, 2021). کیهان برزگر در پژوهش خود پیرامون سیاست منطقه‌ای ایران به نظریات عدم ائتلاف با کشورهای منطقه، نظریه جهانی‌گرایی و اهمیت تکنولوژیک غرب، تضاد فرهنگی و اجتماعی و تنها بودن ایران در منطقه اشاره می‌کند (برزگر، ۱۳۸۸).

اردشیر سنائی و کساویانپور در بررسی جایگاه ایدئولوژی و منافع ملی در سیاست خارجی ایران با نگاه به موضوعات مسلمانان در چین، بوسنی و فلسطین اعلام می‌دارد که ایران در مقابل بحران چین سکوت کرده، به نفوذ موثر در بوسنی پرداخته و در موضوع فلسطین با حمایت همه جانبه معنوی و عملی (مالی و تسلیحاتی) وارد معرکه شده است (سنائی و کساویانپور، ۱۳۸۹). امیرمحمد حاجی یوسفی (۱۳۸۲) در نوشته خود به دنبال ارائه یک چارچوب اولیه برای فهم سیاست خارجی جمهوری اسلامی

ایران است. وی پس از طرح مباحث تئوریک سیاست خارجی به ادبیات موجود در سیاست خارجی جمهوری اسلامی می‌پردازد و سپس چالش‌های پیش رو در این حوزه را بر می‌شمارد و به پارادوکس میان ملی-فرا ملی، ایرانی-اسلامی، منافع ملی-منافع اسلامی، منفعت ملت ایران-منفعت ملت اسلام اشاره می‌کند (حاج یوسفی، ۱۳۸۲).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود دسته سوم آثاری هستند که نزدیکی بیشتری با پژوهش حاضر دارند ولی فاقد یک تحلیل جامع از چالش‌های داخلی و خارجی سیاست خارجی ایران در دهه آتی هستند.

**۳. چارچوب مفهومی پژوهش، ضرورت حرکت از مرحله تجدید نظر طلبی مستمر به**

### **مرحله سیاست خردورزانه**

کرین بریتون در مطالعات تطبیقی انقلاب‌های بزرگ تاریخ، به این جمع‌بندی رسید که هر انقلاب اجتماعی سیاسی به گونه اجتناب‌ناپذیر چهار مرحله تاریخی را سپری می‌کند؛ دوره ماه عسل انقلابی، مرحله به قدرت رسیدن لیبرال‌ها، مرحله به قدرت رسیدن رادیکال‌ها و نهایتاً ترمیدور (هراتی، ۱۳۹۸: ۱۱۹). سیاست‌های داخلی و خارجی ایران در چهار دهه پس از انقلاب به طور مستمر در دو مرحله نهایی رادیکال و ترمیدور سیکل نوسانی داشته و هیچگاه در وضعیت تجدید نظر طلبی تمام عیار و یا ترمیدور (ثبات خردورزانه نخبگان) تثبیت نشده است. سیاست خارجی ایران در کشاکش دو مقوله تجدید نظر طلبی افراطی و همگرایی با معادلات نظام جهانی و منطقه‌ای در نوسان بوده است.

### **۳.۱. مرحله سیاست خارجی دولت انقلابی (تجدید نظر طلبی)**

هالیدی (۱۹۹۹) در کتاب انقلاب و سیاست جهانی به بررسی تنش‌ها و تناقض‌های موجود در سیاست خارجی دولت انقلابی می‌پردازد و بر این باور است که تغییر هدف و با استفاده از ایدئولوژی در امر سیاست‌گذاری خارجی دولت‌های انقلابی امری بدیهی است. از نظر هالیدی در بررسی تطبیقی انقلاب‌های جهان و به‌ویژه در سیاست خارجی آنها حداقل می‌توان به پنج تنش یا بحران اشاره نمود: تنش اول عبارت است از سیاست دوگانه متناقضی که دولت‌های انقلابی در پیش می‌گیرند. از طرفی دولت انقلابی با نوعی بین‌الملل‌گرایی در صدد صدور ارزش‌های انقلاب و هم‌زمان کسب حمایت بین‌المللی از انقلاب است و از سوی دیگر در پی دیپلماسی جهت تأمین نیازهای اقتصادی، تجاری، فناوری و... است (Haliday, 1999: 139).

تنش دوم، دوگانه تداوم و تغییر در سیاست خارجی دولت انقلابی است. انقلاب پدیده‌ای است که تغییراتی بنیادی و نهادین هم در داخل کشور و هم در روابط خارجی ایجاد می‌کند. البته این تأثیرات فرامرزی به کشورها محدود نشده و حتی در نظام‌های منطقه‌ای و بین‌المللی تأثیرگذار است. شدت و ضعف تغییرات در داخل و خارج کشورها یکسان نیست و رهبران کشورهای انقلابی در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی داخلی می‌توانند با اقناع‌سازی و یا تحمیل، تأثیرات و تغییرات گسترده‌تری ایجاد کنند اما در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، رژیم‌ها، نهادها و هنجارهای بین‌المللی به سختی همسو با منویات دولت انقلابی می‌شوند (Haliday, 1999: 140-141).

تنش سوم، دوگانه تمایل برای صدور انقلاب و عدم صدور انقلاب است. از منظر هالیدی یکی از بهترین اختلاف‌ها میان دانشمندان حوزه انقلاب‌ها نحوه برخورد ایشان به مسئله صدور یا عدم صدور انقلاب است. به باور برخی از ایشان انقلاب‌ها ناگزیر از صدور انقلاب هستند چرا که اگر بین‌المللی نشوند می‌میرند، برخی دیگر معتقد به این رویکرد نیستند. به هر شکل صدور انقلاب‌ها یکی از نقاط منازعه‌آمیز سیاست خارجی کشورهای انقلابی در نظام منطقه‌ای و بین‌المللی است (Haliday, 1999: 141-145).

تنش چهارم دوگانه تعاملات میان‌دولتی و میان‌ملتی است. از یک طرف انقلاب‌ها به اتحاد مردم جهان در مقابل دولت‌ها باور دارند و به دنبال برقراری روابط با ملت‌ها هستند و به نوعی نظام ملت-دولت و ستفالیایی را به چالش می‌کشند و در سوی مقابل رژیم‌های انقلابی به دنبال یک دولت قوی انقلابی در داخل کشور خود هستند تا بتوانند ایدئولوژی موردنظر خود را تا حد ممکن حاکم سازند (Haliday, 1999: 141-145).

تنش پنجم دوگانه متناقض‌نمای تمایل به ملی‌گرایی از یک طرف و بین‌الملل‌گرایی انقلابی از سوی دیگر است. از منظر هالیدی رژیم‌های انقلابی از یک سوی به دنبال تامین منافع ملی خود هستند و از سوی دیگر دارای یک ایدئولوژی بین‌الملل‌گرا هستند که به دنبال منافع طیف گسترده‌تری از ملت خود هستند (Haliday, 1999: 147-148).

۳.۲. مرحله ترمیدور انقلاب، ثبات خردورزانه در سیاست خارجی، و حرکت در راستایی

### همگرایی منطقه‌ای

منطقه‌گرایی از جمله راهکارهای دیپلماسی کشورها برای تحکیم مناسبات میان دولت‌های همجوار است که در میان توافق‌های سیاسی تعریف شده تحقق می‌یابد و با روش‌های متنوع حقوقی، سیاسی، تجاری و حتی فناورانه متحول می‌شود. در میان کشورهای یک منطقه، فضای متنوعی از روابط همگرایی تا واگرایی را می‌توان پیش‌بینی کرد. لذا در گام اول، این هنر اصحاب دولت‌ها و کارگزاران آنها است که چگونه از فضای مثبت و مفاهمه در جهت رشد و رونق فزاینده جمعی حرکت کنند و یا حتی در صورت وجود فضای تنش، تعارض، رقابت خصمانه و جنگ، به اعتمادسازی، خویشن‌داری، تمرین مذاکره، راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز و فرهنگ‌مداری روی آورند. بدیهی است مدیریت سیاست‌گذاران نسبت به محیط خارجی خود، می‌بایست مبتنی بر درک و بهره‌گیری بهینه از فرصت‌ها و مواجهه عقلایی با مجموعه تهدیدات و خطرات باشد (طهماسبی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۱۱).

### ۴. ارزیابی شرایط موجود و آینده

در این قسمت آینده نظام بین‌المللی و منطقه‌ای (بازیگران و اولویت‌های آنها) ارزیابی می‌شود تا مشخص شود نقاط تعامل و تقابل ایران با نظام بین‌المللی و منطقه‌ای در چه وضعیتی خواهد بود.

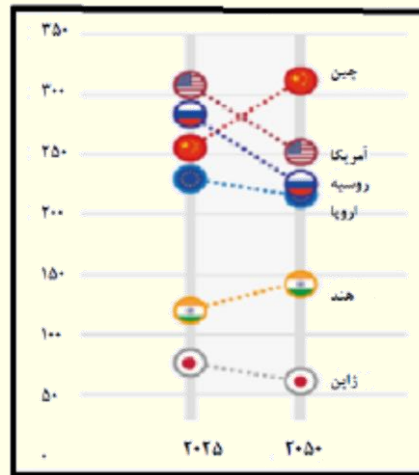
### ۴.۱. بازیگران آینده جهانی و منطقه غرب آسیا

موسسه منارا<sup>۱</sup> در طرح تحقیقاتی که در ۲۰۱۹ به انجام رساند، موضوع بازیگران آینده منا<sup>۲</sup> (خاورمیانه و شمال آفریقا) و منطقه غرب آسیا را مورد ارزیابی قرار داد. این تحقیق هم بر روش دلفی و مصاحبه از صاحب نظران (۷۱ نفر) متکی بود و هم بر ۵۸ مطالعه آینده‌پژوهی در مورد روندهای آتی در منطقه منا. بر اساس این تحقیق، سه دسته بازیگر در آینده منطقه غرب آسیا تاثیرگذار خواهند بود: دولت‌های منطقه‌ای، بازیگران بزرگ و جهانی و نهایتاً بازیگران غیر دولتی.

نمودار شماره ۱: بازیگران نظام بین‌المللی و جهانی موثر در منطقه منا سال‌های ۲۰۲۵ و ۲۰۵۰

1 - MENARA

2 - MENA (Middle East and North Africa)



(Göll &amp; Colleagues, 2019: 14)

بنا به نظر توماس فینگار سی<sup>۱</sup> در ترسیم تحولات آتی جهانی، پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که رشد برزیل، روسیه، هند و چین (BRICS) در مجموع با سهم اصلی گروه هفت (G-7) از تولید ناخالص داخلی جهانی تا سال ۲۰۴۰-۲۰۵۰ برابری خواهد کرد. چین در ۲۰ سال آینده بیش از هر کشور دیگری بر جهان تأثیرگذار خواهد بود. اگر روند فعلی ادامه یابد، تا سال ۲۰۲۵ چین دومین اقتصاد بزرگ جهان را خواهد داشت و یک قدرت نظامی پیشرو خواهد بود. همچنین می‌تواند بزرگ‌ترین واردکننده منابع طبیعی و بزرگ‌ترین آلوده‌کننده جهانی باشد.

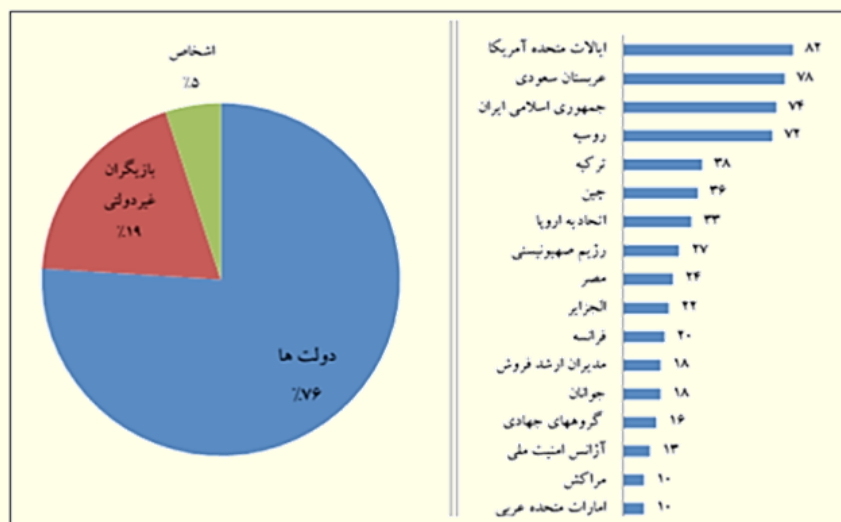
هند احتمالاً به رشد اقتصادی نسبتاً سریع خود ادامه خواهد داد و برای جهانی چند قطبی که دهلی نو یکی از قطب‌های آن است، تلاش خواهد کرد (Fingar C. 2008: vii). در بسیاری از حوزه‌ها، چین، هند و روسیه از مدل لیبرال غربی برای توسعه خود پیروی نمی‌کنند، بلکه از مدلی متفاوت، «سرمایه‌داری دولتی» استفاده می‌کنند. سرمایه‌داری دولتی یک اصطلاح ساده برای توصیف سیستم مدیریت اقتصادی است که نقش برجسته‌ای به دولت می‌دهد. دیگر قدرت‌های در حال رشد، کره جنوبی، تایوان و سنگاپور خواهند بود (Fingar C. 2008: viii).

روند توزیع بیشتر اقتدار و قدرت که برای چند دهه در نظم جهانی رخ داده است، به دلیل ظهور بازیگران جهانی جدید و ناکامی‌های نهادهای بین‌المللی در گذشته، مقوله گسترش بالقوه بلوک‌های منطقه‌ای و افزایش قدرت بازیگران و شبکه‌های غیر دولتی، شتاب می‌گیرد. تعدد بازیگران در صحنه بین‌الملل می‌تواند با پرکردن شکاف‌های رها شده از سوی نهادهای فرتوت پسا جنگ جهانی دوم به ثبات نظام بین‌المللی منجر شود و یا کاملاً برعکس رویکردی در مسیر متلاشی‌سازی نظم حاکم

1 - Thomas Fingar C.

بین‌المللی و کاهش همکاری بین‌المللی داشته باشد. تنوع نوع بازیگران، به‌ویژه با توجه به طیف گسترده‌ای از چالش‌های فراملی که جامعه بین‌المللی با آن مواجه است، احتمال چندپارگی را در دو دهه آینده افزایش می‌دهد (Fingar C. 2008: x).

نمودار شماره ۲: بازیگران منطقه منا و غرب آسیا ۲۰۲۵-۲۰۵۰



(Göll & Colleagues, 2019:13)

بازیگران جهانی این منطقه چین، آمریکا، روسیه، انگلستان، فرانسه و اتحادیه اروپا خواهند بود. در غرب آسیا سه محور منطقه‌ای قابل رویت است.

- محور ایران: بخش گروه‌های عراقی تحت نفوذ و یا تحت تاثیر ایران، حزب‌الله لبنان. اقلیم خودمختار کردستان در صورت فشار دولت ترکیه و یا سوریه و یا حملات گروه‌های افراطی داعش، در مدار محور ایران قرار خواهند گرفت ولی رویکرد مزبور از یکایک آنها دائمی و مبتنی بر نیازهای امنیتی ملی نیست. حداقل در سیاست‌های اقلیم خودمختار کردستان، احتمال گرایش به اسرائیل به صورت جدی وجود دارد.

- محور ترکیه، قطر و دولت‌های ترک زبان قفقاز و آسیای میانه به‌ویژه آذربایجان.

- محور عربستان و متحدانش در خلیج فارس، مصر، اردن، مراکش و حتی الجزایر (میرحسینی و عیوضی، ۱۳۹۸: ۱۵۵).

البته به این محورها می‌توان محور اسرائیل، ترکیه، آذربایجان را نیز اضافه کرد. به نظر می‌رسد سیر وقایع پس از عملیات طوفان الاقصی فشار مضاعفی بر محور ایران فراهم آورده و با فروپاشی نسبی غزه

و حزب‌الله در لبنان مسیر حذف بشار اسد در سوریه و سپس گروه‌های شبه نظامی عراق و حوثی‌های یمن فراهم خواهد گردید.

به این ترتیب، بازیگران اصلی منطقه‌ای در آینده غرب آسیا، ایران، عربستان، ترکیه، آذربایجان، امارات متحده، اسرائیل و حتی مصر و اردن خواهند بود. گروه‌های نیابتی تحت نفوذ عربستان، امارات، ترکیه، اسرائیل و ایران در تحولات آتی منطقه غرب آسیا نقش‌آفرینی خواهند داشت. نهادهای جامعه مدنی رسمی و غیر رسمی رسانه‌ها، باندهای مالی تجاری و جوانان تحصیل کرده شاغل یا بیکار و زنان خواهان کسب حقوق مدنی و سیاسی بیشتر، در مدار تحولات منطقه حضور محسوس و نامحسوس ولی بسیار تاثیرگذار خواهند داشت.

### ۵. سیاست‌های و اولویت‌های بازیگران جهانی و منطقه‌ای

اولویت اصلی چین امروزه در حوزه خاورمیانه، آسیای غربی و خلیج فارس، ثبات و امنیت تجاری است. حجم سرمایه‌گذاری چین در عربستان، امارات، قطر و اسرائیل (بندر حیفا) کم نیست. قطعا چین راضی به بروز جنگ در این مناطق و صدمه دیدن منابع سرمایه‌گذاری خود نیست. روسیه امروز چون در تقابل مستقیم با غرب و ناتو است طبیعتا از همکاری با کشورهای ستیزه‌جو با غرب استقبال می‌کند ولی این رویکرد روسیه دائمی نیست. به محض پایان یافتن جنگ اوکراین، رویکرد روسیه تغییر خواهد کرد و برای امتیازگیری از طرف‌های غربی حاضر به قربانی کردن منافع سایر ملت‌ها خواهد بود. در شرایط جنگ احتمالی ایران و اسرائیل، روسیه به نفع ایران عمل نخواهد کرد. یهودیان روس تبار در اسرائیل، لابی مهمی هم در تل‌آویو و هم در مسکو هستند (طاهری، ۵۰: ۱۴۰۱-۵۱). لذا روسیه فقط در حد عدم مشارکت مستقیم در رویکرد سرکوب‌گرایانه اسرائیل علیه فلسطینی‌ها و یا رای ممتنع و به ندرت با وتو قطعنامه‌های آمریکا وارد معرکه منازعه اعراب و اسرائیل خواهد شد. روسیه امروز در سیاست خارجی مانند عصر اتحاد جماهیر شوروی، رویکرد ایدئولوژیک ندارد.

البته در مجموع روسیه، آمریکا، انگلستان و اسرائیل وجود سطوحی از تنش و بحران در آسیای غربی و خلیج فارس میان ایران و کشورهای عربی و میان کشورهای عربی (مانند بحران یمن) و در شمال آفریقا و بحران لیبی را مطلوب می‌دانند، چون فضای خرید تسلیحات، وابستگی و تکیه بر توانمندی این قدرت‌ها افزایش می‌یابد. هزینه شدن حجم قابل ملاحظه منابع نفتی این مناطق در خرید تسلیحات متعارف برای بازارهای تسلیحاتی این دسته از کشورها پر سود است. اتحادیه اروپا همواره از

رویکردهای صلح‌طلبانه دفاع می‌کند، چون آثار بحران و تنش در خاورمیانه و غرب آسیا به اروپا نیز سرایت می‌کند. افزایش موج مهاجرت به اروپا از جمله این آثار تلقی می‌شود.

عربستان با برقراری روابط با اسرائیل اهرم فشار علیه ایران خواهد داشت و ایران نیز با تکیه بر حوثی‌ها، سیاست بازدارندگی نسبت به عربستان را حفظ می‌کند. البته بازی با کارت اسرائیل برای عربستان، رویه‌ای قطعی و قابل اطمینان همیشگی برای ریاض نیست و محاسبه ایران بر همسویی حوثی‌ها نیز منوط به تدوام مالی و تسلیحاتی ایران و شرایط خاص معادلات قدرت در یمن و نقش امارات و عربستان است.

هزینه‌های نظامی کشورهای غرب آسیا مانند عربستان، ترکیه، مصر ایران و اسرائیل در سطح وسیعی بین سال‌های ۱۹۹۸-۲۰۱۶ افزایش داشته و یکی از مسائل منا و خاورمیانه موضوع خرید انبوه تسلیحات و افزایش فوق‌العاده هزینه‌های نظامی است (Kouskoueilis, 2018: 77).

#### ۶. سیاست‌ها و رویکردهای ایران (ترکیب تجدید نظر طلبی و تمایل به همگرایی منطقه‌ای)

در این قسمت سیاست‌های ایران در ابعاد تجدید نظر طلبانه و یا همگراییانه در قبال نظام جهانی و بازیگران جهانی و منطقه‌ای به تفصیل ترسیم شده است.

اولین موضوع در سیاست خارجی ایران این است که جریان سیاسی حاکم بر ایران در قالب یک هویت تجدید نظر طلب به‌عنوان یک نهضت و جنبش نجات بشری در جهان و با تفسیر خاص خود از منافع ملی و نه یک دولت ملت، محدود به مرزهای جغرافیایی و مقید به تعریف منافع ملی مبتنی بر نیازهای متنوع گروه انسانی ساکن تاریخی در سرزمین ایران تجلی می‌کند. کاتزمن از این زاویه به سیاست خارجی ایران می‌نگرد و اعلام می‌دارد انگیزه‌ها و محرکه‌های اصلی ایران در سیاست خارجی شامل موارد ذیل است:

- احساس خطر<sup>۱</sup> دائمی نسبت به سرنگونی رژیم سیاسی خود از جانب آمریکا و متحدانش. حوادث سقوط طالبان (۲۰۰۱)، حمله به عراق و ساقط کردن رژیم بعث عراق و حوادث سقوط معمر قذافی، رهبران ایران را به ایجاد یک سیاست بازدارنده در منطقه به‌ویژه در خلیج فارس سوق داده است (Katzman, 2021: 2).

- دومین مؤلفه مستمر سیاست خارجی ایران مقوله ایدئولوژی حاکم بر نظام سیاسی ایران که با تکیه بر نظرات رهبران برای نظام سیاسی رسالتی تاریخی لحاظ می‌کنند تا کشور را در مسیر تحقق آرمان‌های شیعی اثناء عشری (که ترکیبی از مؤلفه‌های ظلم ستیزی و عدالت‌طلبی در کنار ضرورت حاکمیت اصول دینی و روحانیت است) هدایت کنند (Ibid: 3).
  - سومین مؤلفه، مقوله منافع ملی بنا به گفته کاتزمن بر اساس تعریف رهبران انقلابی و مجموعه نهادهای قدرت کشور است که می‌خواهد ایران در جایگاه قدرت برتر منطقه‌ای ایفای نقش کند (Katzman, 2015: 3).
  - چهارمین مؤلفه نوسانات سیاست خارجی در نزدیکی و دوری از غرب است (Katzman, 2021: 4).
- درک و برداشت مقامات ایران از وضعیت تهدیدات و دشمنی‌های ایالات متحده آمریکا به طور مستمر بر سیاست خارجی ایران تاثیر گذاشته، از سوی دیگر سیاست ضرورت ماندن گروه حاکم در اریکه قدرت در کنار اصرار بر ارزش‌های مانند شیعه‌گرایی و مبارزه با امپریالیسم غرب به سیاست خارجی ایران شکلی نامتقارن در منطقه و جهان بخشیده است (Golmohammadi, 2018).
- نادا گرت<sup>۱</sup> در تحلیل سیاست فعلی ایران مدعی است که تهران یک الگوی چند وجهی را دنبال می‌کند:
- گسترش توانمندی هسته‌ای و غنی‌سازی اورانیوم تا حد ممکن و به موازات آن ادامه مذاکرات و عدم قطع آن.
  - گسترش توان موشکی و موشک‌های بالستیک و پهپادها برای بازدارندگی در برابر آمریکا و غرب و تهدید استفاده احتمالی آنها علیه متحدان آمریکا در منطقه.
  - گسترش همکاری با شرق، مخصوصاً روسیه در حوزه‌های امنیتی و چین در حوزه روابط تجاری و صادرات نفت به رغم تحریم‌ها (Nada, 2021).
- دولت‌های عربی به‌ویژه کشورهای عربی خلیج فارس حساسیت‌های متنوع و متعددی نسبت به سیاست‌های ایران دارند. دولت‌های عربی خلیج فارس این تصور را دارند که ایران مادامی که امنیتش به خطر نیفتاده است، اقدام فراگیر در ناامن‌سازی خلیج فارس نمی‌کند، هرچند برای کسب توان بالقوه آن تلاش می‌کند. نگرانی اصلی این دولت‌ها این است که در صورت بروز جنگ میان

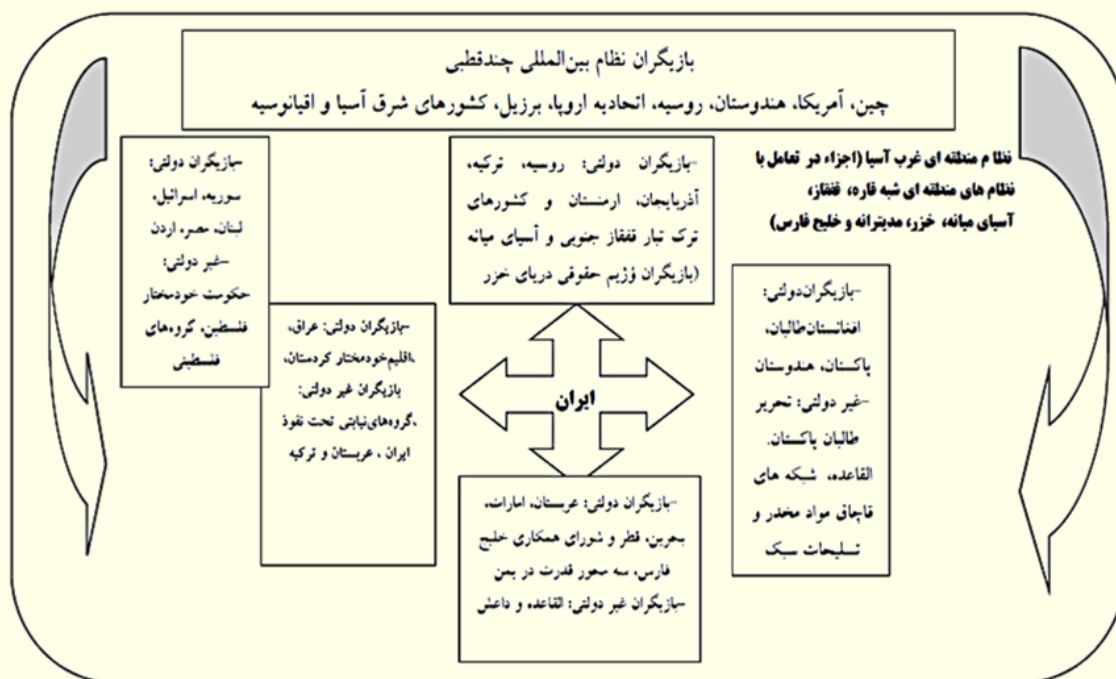
ایران و اسرائیل و یا آمریکا، تنگه هرمز و سرزمین‌های (به علت پایگاه‌های آمریکا، انگلستان و فرانسه در قطر) این کشورها و کشتیرانی و قلمروی هوایی منطقه، درگیر منازعات نظامی شود (Emile Irani, 2008: 11).

در سطح بازیگران منطقه‌ای، ایران روابط خوبی را با دو همسایه خود ترکیه و پاکستان برقرار کرده است ولی این روابط به هیچ وجه به معنای اتحاد استراتژیک و امنیتی حتی در پایین‌ترین سطوح آن نیست (Byman, 2018). همکاری تجاری و جهانگردی ایران و ترکیه و همسویی که دو طرف در مقابله با سیاست‌های تجزیه‌طلبانه جمعی از کردها اختیار می‌کنند، به معنای پشتیبانی ترکیه از ایران در شرایط جنگی نیست. در صورت بروز جنگ میان اسرائیل و ایران، حتی نمی‌توان روی بی‌طرفی واقعی ترکیه حساب کرد. ضمن اینکه در شرایط تضعیف جدی ایران، انجام تحرکاتی از سوی ترکیه و آذربایجان در مناطق آذری ایران بسیار محتمل است.

جرج امیل ایرانی در تحلیلی سیاست خارجی ایران در قبال عراق مدعی است که حفظ وحدت عراق مادامی که رژیم جدید عراق تهدیدی برای ایران نباشد و بستر قدرت یافتن رهبران شیعی طرفدار ایران و حشدالشعبی را بیشتر مهیا کند، برای ایران مطلوبیت دارد. ولی در غیر این صورت، وحدت عراق مطلوبیت تمام عیار برای ایران ندارد هر چند که ایران می‌داند تجزیه عراق با توجه به عواقب منطقه‌ای آن برای ایران مفید نیست. البته ایران معتقد است که عراق نباید سکویی برای حمله به ایران از سوی آمریکا باشد و یا بستر سلطه آمریکا در منطقه را مهیا سازد (Emile Irani, 2008: 13).

بر پایه یکی از تحقیقات موسسه منا (۲۰۱۶)، سیاست ایران به جای همکاری منطقه‌ای، در مسیر ایجاد رقابت قرار دارد و نوع بازی جمع جبری صفر<sup>۱</sup> را دنبال می‌کند. این نوع سیاست باعث تشدید ابهامات کشورهای شورای همکاری خلیج فارس نسبت به منویات ایران می‌شود (Middle East and North Africa Programme, 2016).

### نمودار شماره ۳: ایران و ساختار نظام منطقه‌ای و جهانی در آینده



(یافته‌های پژوهش)

### ۷. دشواره‌های سیاست خارجی در آینده

در این بخش به دشواره‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی در آینده پرداخته می‌شود.

#### ۷.۱. دشواره‌های ناشی از نظام داخلی سیاست‌گذاری

##### - تعدد نهادهای تصمیم‌گیر و اجراء

یکی از دشواره‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی تعدد تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران است. سررشته سیاست خارجی ایران به زنجیره‌های بی‌شماری از عناصر تأثیرگذار متصل است مانند تأثیر آموزه‌ها و تعلقات مذهبی، نگاه تاریخی یا آرمان‌گرایی، نگاه ملت‌گرایی یا امت‌گرایی. نهادهای مختلف از جمله وزارت امور خارجه، شورای عالی امنیت ملی، مجلس شورای اسلامی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، جامعه المصطفی‌العالمیه، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، مجمع جهانی اهل بیت، مجمع جهانی شیعه‌شناسی، ائمه جمعه، مجمع تشخیص مصلحت نظام، نهادهای نظامی و امنیتی به‌ویژه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و گروه‌های فشار (گروه‌های ذی‌نفوذ اقتصادی و سیاسی) برخی از نهادهای تأثیرگذار هستند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴: ۴۵۳). دشواره پیش روی جمهوری اسلامی تعدد در همه سطوح است به‌عنوان نمونه در حیطه اجرای سیاست خارجی می‌توان از نهادهای مختلفی همچون سپاه قدس و سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در کنار وزارت امور خارجه یاد کرد. نکته

حائز اهمیت در حیطة اجرای سیاست خارجی چندگانگی در اجرای تصمیمات اخذشده است. در پاره‌ای از موارد، دوگانه «دیپلماسی و میدان» به‌ویژه در منطقه خاورمیانه به خوبی تبیین‌کننده چند پارگی سیاست خارجی جمهوری اسلامی است که منجر می‌شود صداهای مختلفی که گاهی شدیداً متعارض هم هستند از جمهوری اسلامی به گوش نظام بین‌الملل برسد.

مقوله وابستگی سیاست خارجی در ابعاد کلان و خرد آن به مقام رهبری و شخصیت و رویکرد ایشان و اعضاء با نفوذ بیت رهبری ماهیتی تعیین‌کننده دارد (Byman, 2018). در شرایط فعلی، رهبر آتی که در جایگاه ولایت فقیه قرار می‌گیرد، نقش کلیدی در تعیین آینده سیاست خارجی خواهد داشت. بنا به سنت و رویه ایجاد شده، رهبری دارای اختیارت بسیار وسیع در همه حوزه‌ها به‌ویژه سیاست خارجی خواهد بود (Javedanfar, 2017).

### - خاص‌بودگی سیاست خارجی جمهوری اسلامی

یکی از دشواری‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی خاص‌بودگی آن است. سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی دارای ویژگی‌ها و الزامات خاص خود هستند که در قالب رژیم‌ها، نهادها، سازمان‌ها، هنجارها و قواعد آمره به نظم‌دهی و سامان‌بخشی این محیط اقدام می‌کند. جمهوری اسلامی به رغم تغییر تاکتیک‌ها و تکنیک‌ها در حوزه روابط خارجی خود عمدتاً این ویژگی خاص‌بودگی را حفظ کرده است (دهشیری، ۱۳۸۴: ۴۵). در واقع خاص‌بودگی جمهوری اسلامی، از ایران در عرصه بین‌الملل بیش از آنکه یک چهره هنجارساز به نمایش بگذارد، یک بازیگر ساختارگیز ترسیم نموده است.

«نیل کویلیام»<sup>۱</sup> معتقد است که سیاست‌های منطقه‌ای ایران باعث می‌شود روابط ایران و عربستان و امارات از قالب جمع جبری صفر به وضعیت خطوط قرمز (مرز درگیری و منازعه) برسد (Quilliam, 2021: 21).

کیهان بزرگ در سیاست منطقه‌ای ایران به نظریات «عدم ائتلاف با کشورهای منطقه»، «نظریه جهانی‌گرایی و اهمیت تکنولوژیک غرب» و «تضاد فرهنگی و اجتماعی و تنها بودن ایران» در منطقه اشاره می‌کند. بزرگ بر پایه نظریه سوم «تضاد فرهنگی-اجتماعی» معتقد به وجود شکاف‌های عمیق در ساختار فرهنگی-اجتماعی و تاریخی در مناسبات ایران و کشورهای همسایه عرب است که هرگونه

زمینه توسعه و تداوم همکاری‌ها در حوزه‌های سیاسی-امنیتی و اقتصادی را دشوار می‌سازد (برزگر، ۱۳۸۸: ۲۹).

### - شیعه‌گرایی

از منظر برخی اندیشمندان، ایدئولوژی شیعه همواره در سیاست خارجی ایران حتی در رژیم پهلوی وجود داشته است. اوج‌گیری شیعه‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی به بعد از جنگ عراق در سال ۲۰۰۳ و هم‌زمان با ورود عنصر شیعی در ساخت قدرت عراق باز می‌گردد. گسترش این امر منجر به افزایش نقش و نفوذ ایران در مسائل سیاسی-امنیتی منطقه و به‌ویژه عراق، لبنان، یمن و... شد. اگرچه این مؤلفه می‌تواند یکی از پایه‌های قدرت ملی ایران در چارچوب سیاست منطقه‌گرایی قرار گیرد، اما می‌تواند برای اهداف کوتاه‌مدت و گذرا و حتی برای ناامنی در منطقه به کار گرفته شود (برزگر، ۱۳۸۸: ۳۳). همان‌گونه که شیعه به‌عنوان یک اپوزیسیون در جهان اسلام مطرح است، بسط و گسترش ایدئولوژی شیعه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی می‌تواند به مقابله کشورهای سنی مذهب منتهی گردد.

### - دوگانگی در سیاست کلان و اسناد بالا دستی

از جمله موانع تحقق سیاست منطقه‌ای همگرایانه ایران، چشم‌انداز مبهم یا دوگانه در سیاست خارجی ایران است که هم در اسناد بالادستی و هم در رفتار کارگزاران سیاست خارجی مشهود است. به طور مشخص، دوگانه هژمون‌گرایی و تبلیغ وحدت و صلح دو چشم‌انداز متفاوت است. بر مبنای قانون اساسی، جمهوری اسلامی متعهد به «تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان» است (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۳). همچنین بر اساس اصل ۱۵۴ قانون اساسی، جمهوری اسلامی «در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند». در سوی مقابل و بر اساس اصل ۱۵۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی سیاست خارجی خود را بر «دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار» کرده است. نمی‌توان سیاست هژمونی را دنبال کرد یا در ذهن به آن اعتقاد سخت و عملی داشت و هم‌زمان خود را ام‌القرای جهان اسلام با تمام تفاوت‌ها و تنوعات آن معرفی کرد (موسوی‌نیا، ۱۴۰۰: ۱۲۰).

تشدید توان تسلیحاتی در قالب‌های که به طور بدوی تهدیدی برای همسایگان، سپس قدرت‌های پیرامونی در منطقه و نهایتاً فرا منطقه‌ای باشد، معنایی از هژمون‌طلبی را در سیاست خارجی یک کشور ترسیم می‌سازد. ایجاد توان موشکی و پهپادی که قادر باشد در درجه اول نقاط حساس امنیتی و اقتصادی کشورهای همسایه و منطقه را به صورت نقطه‌زن هدف قرار دهد و حتی تدوین فیلم‌های تبلیغی مبنی بر میزان توانایی انهدام تاسیسات کشورهای همسایه، قطعاً مانع از تحقق سیاست اعتمادسازی خواهد بود.

در سیاست عملی ایران نیز دوگانگی مشهودی در زمینه حمایت از مسلمانان جهان که تحت ظلم قرار می‌گیرند، وجود دارد. ایران در حمایت از اویغورهای چین، چین‌های روسیه، هزاره‌های افغانستان، شیعیان پاکستان گام عملی حمایت‌گرانه انجام نداده است در حالی که برای فلسطینی‌ها و حزب‌الله، در سطوح بسیار بالای امنیتی و حتی جنگ مستقیم وارد معرکه شده است.

در یک ارزیابی، سیاست ایران در قبال مسائل جهان اسلام و مسلمانان رویکرد واحدی نداشته است. اردشیر سنائی و کساویانپور در بررسی جایگاه ایدئولوژی و منافع ملی در سیاست خارجی ایران با نگاه به موضوعات مسلمانان در چین، بوسنی و فلسطین اعلام می‌دارند که ایران در مقابل بحران چین سکوت کرد، به نفوذ موثر در بوسنی پرداخت و در موضوع فلسطین با حمایت همه جانبه معنوی و عملی (مالی و تسلیحاتی) وارد معرکه شده است. از منظر سنائی در ارتباط با این سه منطقه بحرانی، ارتباط منطقی میان مقوله ایدئولوژی و منافع ملی ایجاد نشده است (سنائی و کساویانپور، ۱۳۸۹: ۲۲۵). سنائی حتی سوال می‌کند این حمایت همه جانبه معنوی و مادی از بحران فلسطین، با توجه به عوارض ناشی از آن چه منفعت و مزایایی را برای منافع ملی ایران به ارمغان آورده است؟ (سنائی و کساویانپور، ۱۳۸۹: ۲۲۲).

در مجموع باید اذعان داشت که سیاست منطقه‌ای همگرایانه فرایندی است نظام‌مند، تدریجی و ظریف که نیازمند اجماع نخبگی، اعتماد به نفس نخبگان سیاسی، اعتماددورزی، اعتمادسازی و مشارکت‌طلبی است (موسوی‌نیا، ۱۴۰۰: ۱۳۰).

## ۷.۲. دشواره‌های ناشی از وضعیت محیط بین‌الملل

### - رابطه و ستفالیایی یا حمایت از گروه‌های سیاسی و شبه نظامی

جمهوری اسلامی روابط خود با سایر کشورها را بر اساس نظام دولت‌های مستقل و ستفالیایی ایجاد، بسط و گسترش می‌دهد و از سوی دیگر خود را متعهد به حمایت از مبارزات گروه‌های فروملی کشورها می‌داند، یعنی نظم مناسبات میان‌دولتی را به کناری نهاده و بر مناسبات با گروه‌هایی مبارز، آزادی‌بخش و گریز از مرکز در درون دولت‌ها تاکید می‌کند. گروه حزب‌الله لبنان، گروه‌های مبارز شیعی در عراق مانند: تیپ یوم الموعود، عصائب اهل الحق، کتائب حزب‌الله و سپاه بدر، حوثی‌های یمن، شبه نظامیان حامی بشار اسد در سوریه، جنبش اسلامی نیجریه، جمعیت همبستگی ملی اسلامی (الوفاق) بحرین، حمایت از روحانی منتقد رژیم عربستان (شیخ نمر باقرالنمر)، جهاد اسلامی و حماس در فلسطین و... برخی از گروه‌های مورد حمایت جمهوری اسلامی در سایر کشورها هستند.

به نظر می‌رسد تداوم فعالیت دوگانه جمهوری اسلامی به‌ویژه در عرصه منطقه‌ای با دو نگاه ملت‌گرایی و امت‌گرایی چندان امکان‌پذیر نباشد، چرا که پس از عملیات ۷ اکتبر نیروهای حماس و طی بیش از یک سال از انجام این عملیات، کشور اسرائیل بخش مهمی از توان سازمان‌دهی، نظامی و مالی این گروه را نابود ساخته است. از سوی دیگر پس از انفجار پیجرهای حزب‌الله لبنان و ترور سران حزب‌الله همچون شیخ حسن نصرالله، عملا این گروه نیز در آستانه فروپاشی قرار گرفته است. در یک رویکرد منطقی احتمالا سوریه به‌عنوان بازوی لجستیکی جمهوری اسلامی هدف بعدی خواهد بود که با حذف بشار اسد به سادگی محقق خواهد شد. در این مرحله حوثی‌ها در یمن و گروه‌های شبه نظامی عراق می‌توانند اهداف مطلوبی در حذف گروه‌های موسوم به محور مقاومت به سرکردگی جمهوری اسلامی باشند.

### - پادگفتمان‌های گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی در سایر کشورها

یکی از بحران‌های پیش روی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران شکل‌گیری پادگفتمان‌های گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی به‌ویژه در کشورهای منطقه است. به‌عنوان نمونه می‌توان به حمله به کنسولگری‌های جمهوری اسلامی در کشور عراق طی چند سال گذشته اشاره کرد. فارغ از انگیزه‌ها

و هویت طراحان حمله، حملات متعدد به این اماکن نشانه شکل‌گیری و توسعه پادگفتمان‌های سرسخت در مقابل گفتمان مسلط جمهوری اسلامی است.<sup>۱</sup>

حضور مستقیم ایران در این مناطق طبیعتاً فضای تقابل را با دول رقیب و یا متخاصم دامن می‌زند. لبنان کشوری عربی، مدیترانه‌ای و تاریخی ملل و اقوام مختلف و سرزمین حضور اقتصادی، استراتژیک و فرهنگی بسیاری از دولت‌ها از جمله فرانسه، انگلستان و عربستان است. شرایط موازنه قدرت در لبنان برای آمریکا، انگلستان، فرانسه و حتی روسیه و چین از باب امنیت اسرائیل بسیار مهم است. شرایط بسیار ناگوار اقتصادی لبنان، طبیعتاً اکثریت مردم لبنان را از غلطیدن در جنگ‌های فراگیر چه داخلی و چه خارجی با اسرائیل بر حذر می‌دارد. این نوع جنگ‌ها علاوه بر تلفات انسانی، باعث انهدام بسیاری از تاسیسات شهری و عوامل زندگی روزمره مردمی است. حضور پر رنگ ایران در معادلات عراق باعث تشدید تنش‌های قومی و مذهبی میان شیعیان و اهل سنت از یک طرف و کردها و عراقی‌های عرب می‌گردد. ضمناً گروه‌های مخالف بشار اسد در سوریه نیز از پتانسیل مطلوبی در تقابل با شریک دیرین ایران در سوریه (رژیم بعث اسد) خواهند داشت.

#### - سازماندهی گروه‌های شبه نظامی و امنیتی در فضای منطقه‌ای محور مقاومت

مطابق نظر آیت‌الله خامنه‌ای هدف جمهوری اسلامی به‌ویژه در دو دهه اخیر، تلاش برای آماده‌سازی بستر تغییر نظم منطقه‌ای و مقابله با هژمونی آمریکا بوده که بازتاب این امر افزایش نفوذ و عمق‌بخشی به «گفتمان مقاومت» در منطقه غرب آسیا بوده است. البته جمهوری اسلامی در پس شکل‌دهی و حمایت از گروه‌های «محور مقاومت» به دنبال نوعی بازدارندگی در برابر تهدیدات خارجی است و در صورت

---

۱- در جریان اعتراضات به وضعیت معیشتی عراق در ۱۶ شهریور ۱۳۹۷ کنسولگری ایران در بصره به آتش کشیده شد. در اقدامی مشابه در ۶ آذرماه ۱۳۹۸ گروهی از معترضان عراقی در نجف به کنسولگری ایران در این شهر حمله کرده و ساختمان آن را به آتش کشیدند. در جدیدترین اقدام از این سری اقدامات در ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۰ معترضان عراقی دیوار کنسولگری ایران در کربلا را به آتش کشیدند. نمونه مشابه در اعتراضات لبنان است. حزب‌الله لبنان که سال‌ها به عنوان «یاور فقراى شیعه» و «مدافع لبنان در برابر اسرائیل» در میان هواداران خود معروف است، از زمان تشکیل به صورت مستقیم و آشکارا مورد حمایت دولت جمهوری اسلامی بوده است. در جریان اعتراضات ۱۱ آذر ۱۳۹۸ مورد اعتراض گروه‌هایی از مردم لبنان قرار گرفت. شعارهای «همه باید بروند»، «همه یعنی همه، نصرالله هم همین‌طور» از جمله شعارهای کم‌سابقه معترضان لبنانی بود.

تهدید هر یک از منافع راهبردی خود در منطقه، از طریق این گروه‌های شبه نظامی و امنیتی به تهدید منافع دشمنان خود می‌پردازد.

ساماندهی گروه‌های محور مقاومت از سوی سپاه قدس در منطقه انجام می‌شود (وزیران و همکاران: ۱۴۰۰: ۱۰۰). نوع ساختار نظامی و امنیتی سپاه قدس و احتمالاً حوزه ماموریتی تعریف شده برای آن باعث گردیده که این گروه به شکل دهی، سامان‌دهی و حمایت از گروه‌های شبه نظامی و امنیتی صرف در کشورهای هدف توجه نماید. حمایت ایران از نیروهای حماس و جهاد اسلامی فلسطین، گروه حشدالشعبی در عراق که متشکل از یک گروه یکصد هزار نفری کتائب حزب‌الله، سازمان بدر، عصاب اهل الحق و حزب‌الله نجبا است، بخشی از اقدامات جمهوری اسلامی در حوزه سیاست خارجی منطقه‌ای است. بر اساس گزارش کاتزمن، ایران پشتیبانی مستقیم مالی و تسلیحاتی از چهار گروه شبه نظامی عراق عصاب اهل الحق (AAH)، سازمان بدر، کتائب حزب‌الله، و حرکت حزب‌الله النجبه، را بر عهده دارد (Katzman, 2021: 31).

در کشور سوریه نیز سازماندهی یک گروه یکصد هزار نفری به نام «نیروی دفاع ملی»، تیپ امام باقر<sup>(ع)</sup>، تیپ ابوالفضل العباس<sup>(ع)</sup>، قوات الرضاه<sup>(ع)</sup>، فوج سیده زینب<sup>(س)</sup> و تیپ سیده رقیه<sup>(س)</sup> از مهم‌ترین گروه‌های شیعه سوری نزدیک به جمهوری اسلامی هستند. از سوی دیگر ایران با استفاده از شبه نظامیان پاکستانی و افغانستانی نزدیک به خود در قالب دو تیپ پنج هزار نفره زینبیون و فاطمیون در کشور سوریه و در مقابل مخالفان بشار اسد مبارزه می‌کند. حزب‌الله لبنان و گروه انصارالله یمن نیز دو گروه شناخته شده مورد حمایت ایران هستند که به نوعی در راستای اهداف محور مقاومت در لبنان و یمن اقدام می‌کنند (وزیران و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۰۲-۱۰۵).

ایران در مناطق لبنان، سوریه، یمن عراق و سرزمین فلسطین (حماس و جهاد اسلامی) حضور پررنگی از نظر مشاوره نظامی، تامین تسلیحات و مساعدت‌های مستقیم مالی دارد. رهاسازی و یا کمرنگ شدن هر یک از این مساعدت‌ها به سرعت تاثیر محسوس در تغییر موازنه قدرت در هر یک از مناطق مزبور خواهد داشت. البته به جز حزب‌الله لبنان، برخی از نیروهای حامی ایران در مواردی از مساعدت سایر قدرت‌ها مانند عربستان، امارات، مصر، اردن و قطر و حتی ترکیه هم بر حسب شرایط برخوردار هستند. به طور مثال، حماس از منابع مالی قطر، عربستان، مصر و امارات نیز بهره‌مند می‌شود.

## - بحران اقتصادی ایران و احتمال عدم توان تداوم حمایت مالی-تسلیحاتی از محور

### مقاومت

همان گونه که اشاره شد جمهوری اسلامی در شکل‌دهی به نیروهای مزدور خود در قالب «گروه‌های محور مقاومت» بیشترین تمرکز خود را بر شکل‌گیری گروه‌های شبه نظامی، امنیتی و نهایتاً سیاسی قرار داده و از توجه به دیگر ساحت‌های یک ساخت اجتماعی غافل مانده است. گروه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در کشورهای محور مقاومت جایگاه چندانی ندارند و در نتیجه تمامی این گروه‌های شبه نظامی در بعد اقتصادی وابسته به کمک‌های جمهوری اسلامی هستند. سید حسن نصرالله در یک سخنرانی حمایت همه جانبه ایران از نظر مالی، تسلیحاتی و مشاوره‌ای را اعلام می‌دارد<sup>۱</sup>.

بحران پیش روی ایران بحران اقتصادی است که در نتیجه خروج آمریکا از برجام و تشدید تحریم‌ها علیه ایران حاصل شده است. تورم بالا، نرخ رشد اقتصادی پایین یا منفی، کاهش بی‌سابقه درآمدهای نفتی و... ایران را در شرایطی قرار داده که شاید به سادگی توان حمایت از این شبه نظامیان را نداشته باشد<sup>۲</sup>. اگرچه پشتوانه ارزی ایران کماکان امکان تامین هزینه‌های این شبه نظامیان را دارد اما به باور بسیاری از اندیشمندان، تداوم شرایط کنونی در میان‌مدت و بلندمدت با هم‌آیندی بحران اقتصادی داخلی ایران، سخت، دشوار و حتی ناممکن است.

### - پیمان ابراهیم و نظم منطقه‌ای جدید

شاید توافقات ابراهیم یا پیمان ابراهیم<sup>۳</sup> را بتوان نقطه‌ای تاثیرگذار در منطقه خاورمیانه به حساب آورد که می‌تواند مسیر تحولات منطقه را در سال‌ها و دهه‌های پیش رو تغییر دهد، پیمان ابراهیم بیانیه مشترک اسرائیل، امارات متحده عربی، بحرین و ایالات متحده آمریکا است که در سال ۲۰۲۰ منعقد گردید. هدف از نامگذاری این توافقنامه‌ها به نام ابراهیم نیز به رسمیت شناختن ابراهیم توسط دو دین اسلام و یهود است؛ چند روز بعد سودان نیز به این پیمان پیوست، زمزمه پیوستن عمان، عربستان سعودی و برخی دیگر از کشورها هم وجود دارد.

۱- عبارتی منقول از سید حسن نصرالله است «تا زمانی که ایران پول داشته باشد ما هم پول داریم» (نصرالله، ۱۳۹۵).

۲- از سوی دیگر پادگفتمان انقلاب اسلامی در داخل ایران نیز مایل به تداوم این کمک‌های اقتصادی نیست و شعارهای ناآرامی‌های چند سال اخیر ایران با مضامینی شبیه «نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران» نمودهایی از قدرت گرفتن این رویکرد در ایران است.

در قوت و ضعف پیمان ابراهیم نظرات متفاوت و متضادی وجود دارد. برخی این پیمان را از پیش شکست‌خورده ارزیابی کرده‌اند و برخی آن را پیمانی مهم در آینده خاورمیانه ارزیابی می‌کنند. در سال ۱۹۷۹ که انقلاب اسلامی به پیروزی رسید، یک اجماع نسبی حداقل میان کشورهای عربی در دشمن شماره یک جهان عرب یعنی اسرائیل وجود داشت. اما امروز و پس از چهل و اندی سال از انقلاب اسلامی و رویکرد سیاست خارجی ایران کشورهای منطقه حاضر به صلح با اسرائیل شده و متأسفانه ایران را به‌عنوان دشمن خود ارزیابی می‌کنند.

### - تداوم اتحاد قدرت‌های غربی و متحدانشان در مقابله با جمهوری اسلامی در ایران

اگرچه با روی کار آمدن ترامپ در انتخابات اخیر ایالات متحده به نظر می‌رسد توجه به رویکردهای چند جانبه در این کشور کاهش یابد، اما به نظر می‌رسد پس از فروپاشی نسبی حماس و حزب‌الله نوعی اشتراک نظر در تقابل با جمهوری اسلامی چه در اروپا و چه در ایالات متحده به وجود آمده که به‌ویژه با محوریت منطقه‌ای اسرائیل ادامه خواهد یافت.

### نتیجه

سیاست خارجی جمهوری اسلامی طی بیش از چهار دهه گذشته و به رغم فراز و فرودهایش متأثر از ابرگفتمان انقلاب اسلامی بوده است. سیاست ایران در این چهار دهه در دایره نوسان تجدید نظر طلبی در نظام جهانی و منطقه‌ای از یکسو و رویکرد همگرایی منطقه‌ای بوده است، هرچند که به علت سوء مدیریت جمهوری اسلامی، چهره تجدید نظر طلبی افراطی بسیار برجسته شده است. ایران پس از تحولات منطقه‌ای در این دوره چهل ساله بر این واقعیت وقوف یافته است که کلید بسیاری از تحولات در دست و اراده تهران نیست. حتی در بسیاری از موارد برخی از تحرکات و سیاست‌های ایران، در واقع خواسته بیگانگانی بوده که توانسته‌اند با مسموم‌سازی فضا، سکان مواضع کشور را در مدار تخریب منافع ایران قرار دهند.

بازیگران جهانی پیش روی ما در آینده چین، آمریکا، هندوستان، روسیه، اتحادیه اروپا و شرق آسیا خواهند بود و این بازیگران ظرفیت‌های خود را در مسیر تقویت همکاری با کشورهای به کار خواهند گرفت که به دنبال توسعه و همکاری اقتصادی باشند و به بازی سود طرفینی بر پایه ظرفیت‌ها اعتقاد داشته باشند. بنا به تجربه تاریخی، روسیه پس از جنگ با اوکراین مجدداً همراهی با غرب را پیشه خواهد ساخت.

در فضای منطقه غرب آسیا نیز بازیگران مهم مانند عربستان، امارات، بحرین، عمان، عراق، ترکیه، پاکستان، آذربایجان و ارمنستان رویکرد توسعه اقتصادی را ادامه خواهند داد و برخی نیز مانند عربستان، امارات، ترکیه از زوایای اقتصادی و امنیتی و پاکستان از لحاظ نفوذ در کشور همجوار افغانستان روز به روز قدرتمندتر می‌شوند. اسرائیل، اردن و مصر به حیات خود با قدرت و نفوذ بیشتر در غرب آسیا ادامه خواهند داد و لبنان، سوریه دچار ضعف مفراطی خواهند بود. عراق به طور مستمر نگران تجزیه طلبی (کردها) و کشمکش نفوذ ایران و تقابل ایران با آمریکا خواهد بود. سوریه تا زمان بسیار طولانی در آینده از صدمات جنگ داخلی رنج می‌برد و قطعاً تلاش می‌کند به سوی همگرایی با کشورهای ثروتمند منطقه مانند عربستان، امارات، مصر و اردن حرکت کند.

تداوم تحریم‌ها علیه ایران به ضعف روزافزون اقتصادی، فشار ابر تورمی و افسارگریخته بر آحاد مردم، کاهش مشروعیت مردمی و نوسانات شدید در سیاست خارجی منتهی می‌شود و نگرانی دائمی نسبت به وقوع منازعه مستقیم نظامی با اسرائیل و آمریکا و حتی فروپاشی نظام به علت غیر قابل پیش‌بینی بودن عواقب این منازعه، همواره بر فضایی سیاست‌گذاری ایران سنگینی می‌کند. هیچ قدرت جهانی و منطقه‌ای با اتمی شدن ایران حتی در سطحی که بتواند با تاسیسات صلح‌آمیز وارد بازار جهانی عرضه اورانیوم شود، موافق نیست.

فراموش نکنیم که وفاداری نیروهای نیابتی به مقامات و سیاست‌های ایران همواره ماهیت تضمین شده و دائمی ندارد. تاریخ بازار مکاره سیاست مملو از همسویی و ناهم‌سویی نیروهای نیابتی با سیاستمداران کشورهای مادر است. آیا در شرایطی که ایران امکان تامین مالی و تسلیحاتی قوای نیابتی در یمن، عراق، سوریه و حتی لبنان را نداشت، چه تضمینی از تداوم حمایت این گروه‌ها از ایران در شرایط بحرانی وجود دارد؟

تن دادن به واقعیت‌های بین‌المللی، خردورزانانه‌ترین گزینه برای حفظ نظام و جلوگیری بیشتر از عقب ماندگی در رقابت شدید موجود در توسعه اقتصادی و اجتماعی در منطقه است. تداوم مسیر تجدید نظر طلبی موجود تحت تاثیر شرایط داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی به نظر ناممکن می‌رسد و ضرورت بازنگری در رویکرد انقلابی سیاست خارجی ایران روز به روز پررنگ‌تر می‌شود. لذا بر اساس چارچوب مفهومی پژوهش و واقعیت‌های پیش رو، پله بعدی تکامل انقلاب اسلامی مردم ایران در ۱۳۵۷، گذر از دوره تجدید نظر طلبی افراطی و حرکت خردورزانانه (ترمیدور و مرحله چهارم) به همگرایی محاسبه شده در سطح نظام بین‌المللی و منطقه‌ای است. لذا چالش اصلی سیاست خارجی ایران در دهه آینده،

ناهمگنی تداوم سیاست‌های فعلی با مقتضیات نظام بین‌المللی جهانی و منطقه‌ای است. چالشی که به‌ویژه پس از عملیات ۷ اکتبر و حذف بازوهای نیابتی ایران، شرایط را به نحوی رقم زده که در صورت عدم گذار به مرحله ترمیدور احتمالاً در یک افق کمتر از یک دهه شاهد فروپاشی نظام سیاسی در ایران خواهیم بود.

## فهرست منابع

### منابع فارسی

- ۱- برزگر، کیهان (۱۳۸۸). منطقه‌گرایی در سیاست خارجی ایران، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ویژه همایش مطالعات منطقه‌ای (۵)، ۲۱-۴۰.
- ۲- حاجی یوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۲). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: محدودیت‌ها فرصت‌ها و فشارها، *فصلنامه سیاست خارجی*، (۴): ۸۸۹-۹۱۴.
- ۳- دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۴). الزامات فرا روی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در پرتو سند چشم‌انداز بیست‌ساله، *فصلنامه اندیشه انقلاب اسلامی*، ۱۳ و ۱۴، ۴۱-۶۶.
- ۴- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۴). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- ۵- سنائی، اردشیر، و کساویانپور، مونا (۱۳۸۹). بررسی جایگاه ایدئولوژی و منافع ملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با نگاهی به بحران‌های چین، بوسنی و فلسطین، *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، ۲۲۸-۲۰۳.
- ۶- طاهری، علی (۱۴۰۱). جایگاه اسرائیل در سیاست خارجی فدراسیون روسیه و بازتاب آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران (۲۰۲۰-۲۰۲۱). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، استاد راهنما: دکتر مجید بزرگمهری.
- ۷- طهماسبی، علی؛ مهکویی، حجت؛ عباسی، علیرضا، و سیمبر، رضا (۱۴۰۱). تحلیلی بر رویکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه آسیای جنوبی، *فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام*، (۱۲)، ۴-۱۱۷-۱۳۱. doi:10.22034/FASIW.2022.341682.1153
- ۸- ظریف، محمدجواد، و سجادی، سیدمهدی (۱۳۹۳). صورت‌بندی گفتمان مصلحت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، *فصلنامه دانش سیاسی*، ۱۰، ۱۴۸-۱۰۳.
- ۹- قالیباف، محمدباقر؛ یعقوبی، سید محمد، و محمودی، ابوالقاسم (۱۳۹۳). تبیین ژئوپلیتیکی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خلیج فارس مبتنی بر انرژی‌های فسیلی، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، ۱۰(۳)، ۷۵-۵۶.
- ۱۰- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸).
- ۱۱- محمودی کیا، محمد، و دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۹). نسبت عمل‌گرایی و ایدئولوژی در سیاست خارجی ایران، *رویکردی راهبردی یا تاکتیکی؟، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، ۹(۳۲)، ۳۴-۹.

- ۱۲- موسوی‌نیا، سیدرضا (۱۴۰۰). آسیب‌شناسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از منظر نظریه همسایگی، فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، ۳(۱۰)، ۱۱۵-۱۳۱.
- ۱۳- میرحسینی، فرشته، و عیوضی، محمد رحیم (۱۳۹۸). سناریوهای آینده جایگاه ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران در نظام قدرت منطقه‌ای غرب آسیا در افق ۱۴۱۰، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، ۲۲(۸۳)، ۱۴۳-۱۶۹.
- ۱۴- نامی، محمد حسن، و حیدری‌پور، اسفندیار (۱۳۹۱). الگوی جدید برای محاسبه دقیق مساحت و طول مرزهای کشور ج.ا.ایران، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، ۲(۲)، ۲۲۹-۲۴۸.
- ۱۵- وزیریان، امیرحسین؛ گل محمدی، ولی، و علیزاده، علی (۱۴۰۰). ارزیابی نقش محور مقاومت در بازدارندگی ناهم‌تراز ج.ا.ایران در برابر سیاست مهار آمریکا، فصلنامه راهبرد نظامی، ۷۴، ۸۷-۱۱۴.
- ۱۶- هراتی، محمد جواد، و محمدی، رضا (۱۳۹۸). آزمون‌پذیری نظریه کرین بریتون در تحولات انقلابی تونس و مصر، نشریه علمی مطالعات انقلاب اسلامی، ۱۶(۵۶)، ۱۱۵-۱۳۰.

### منابع غیر فارسی

- 1- Aliyev, Anar & Ashifa, Km (2021) "Internal and External Factors Determining Foreign Policy of Iran: Prospects and Perspectives": 1157-1167 Society of Business and Management. Under The CC BY License. ([Http://Creativecommons.Org/Licenses/By/4.0/](http://Creativecommons.Org/Licenses/By/4.0/))
- 2- Byman, Daniel L. (2018) "Iran's foreign policy weaknesses, and opportunities to exploit them" The New Geopolitics of the Middle East, Wednesday, Brookings, January 3, 2018. <https://www.brookings.edu/blog/markaz/2018/01/03/irans-foreign-policy-weaknesses-and-opportunities-to-exploit-them/>.
- 3- Department of State, Country Reports on Terrorism 2016. See also: Institute for the Study of War. "Iranian Strategy in Syria," by Will Fulton, Joseph Holliday, and Sam Wyer. May 2013.
- 4- Emile Irani, George (2008) *Iran's Regional Security Policy: Opportunities and Challenges*. Elcano Newsletter (51). ISSN 1698-5184:1-18 <http://biblioteca.ribei.org/id/eprint/1541/1/WP-52-2008.pdf>.
- 5- Fingar C. Thomas (2008) *Global Trends 2025: A Transformed World* November 2008. NIC 2008-003, ISBN 978-0-16-081834-9. [https://www.dni.gov/files/documents/Newsroom/Reports%20and%20Pubs/2025\\_Global\\_Trends\\_Final\\_Report.pdf](https://www.dni.gov/files/documents/Newsroom/Reports%20and%20Pubs/2025_Global_Trends_Final_Report.pdf)
- 6- Javedanfar, Meir (2017) *Future Challenges Faced by Iran*, 21 March 2017 GLOBAL GOVERNANCE, Durham University. <https://www.globalpolicyjournal.com/blog/21/03/2017/future-challenges-faced-iran>
- 7- Golmohammadi, Vali (2018) "The Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran: Prospects for Change and Continuity" REVIEW ARTICLE September 2018 All Azimuth A Journal of Foreign Policy and Peace 8(1), N1, 2019: 93-102, DOI:10.20991/allazimuth.459943 [https://www.researchgate.net/publication/327654859\\_The\\_Foreign\\_Policy\\_of\\_the\\_Islamic\\_Republic\\_of\\_Iran\\_Prospects\\_for\\_Change\\_and\\_Continuity](https://www.researchgate.net/publication/327654859_The_Foreign_Policy_of_the_Islamic_Republic_of_Iran_Prospects_for_Change_and_Continuity)
- 8- Göll, Edgar, and Silvia Colombo and Eduard Soler Lecha (2019) "IMAGINING FUTURE(S) FOR THE MIDDLE EAST AND NORTH AFRICA", MENARA Final Reports No. 2, March 2019, Middle East and North Africa Regional Architecture: FINAL REPORTS. :2-54. [https://www.iai.it/sites/default/files/menara\\_fr\\_2.pdf](https://www.iai.it/sites/default/files/menara_fr_2.pdf)
- 9- Halliday, Fred (1999). *Revolution and World Politics*. London: MacMillan Press LTD.

- 10- Katzman, Kenneth, (2021) “Iran’s Foreign and Defense Policies” January 11 2021 Congressional Research Service <https://crsreports.congress.gov> R44017:1-43
- 11- Kouskouvelis, Ilias (2018) “THE MENA REGION POWER COMPETITION AND THE CHALLENGES TO SECURITY” April 2018DR 2017/2 Conflict Zones, University of Macedonia:76-92
- 12- Middle East and North Africa Programme (2016) “Iran’s Politics and Foreign Policy” August 2016, In partnership with the Gulf Studies Center, Qatar University, Middle East and North Africa Programmer Workshop Summary, Chatham House, Royal Institute of International Affairs:1-11. <https://www.chathamhouse.org/sites/default/files/events/2016-03-13-irans-politics-foreign-policy-workshop-summary.pdf>
- 13- Nada, Garrett (2021) “ Iran in 2021: Politics and Foreign Policy The Iran Primer News Digest, December 15, 2021, United States Institute of Peace <https://iranprimer.usip.org/blog/2021/dec/15/iran-2021-politics-and-foreign-policy>
- 14- Quilliam, Neil (2021) Saudi Arabia, the UAE, and Iran: Moving Regional Issues from Zero-Sum to Red Lines” In Shine, Sima (2021) Iran and the International Arena: Challenges and Opportunities Institute for National Security Studies, February 2021: 1-70. <http://www.inss.org.il>
- 15- Rumer, Eugene (2019). Russia and Israel—Best Friends Forever?, In Russia in the Middle East: Jack of all Trades, Master of None (pp. 12–17). Carnegie Endowment for International Peace. <http://www.jstor.org/stable/resrep21000.8>
- 16- Russell, Martin (2018). Russia in the Middle East From sidelines to center stage, EPRS | European Parliamentary Research Service.
- 17- Special Briefing by Brian Hook, Advisor to the Secretary of State and Special Representative for Iran. November 29, 2018.

### منابع اینترنتی

۱- نصرالله، سیدحسین (۱۳۹۵). بازیابی شده در وب سایت آپارات با عنوان «صحبت‌های سیدحسین نصرالله در مورد کمک ایران به آنها» به تاریخ ۱۴۰۰/۵/۲۳. <https://www.aparat.com>